



اختلالات سوماتوفرم به زبان ساده به این معنی است که فرد علایم و نشانهایی فیزیکی از بیماری دارد ولی در بررسیها و آزمایشات، هیچ اختلال عضوی و بیماری جسمیایی تشخیص داده نمیشود.

این علایم و نشانهها به دلیل اشتغال ذهنی در مورد بدن و به دلیل ترس از بیماری بروز میکند و به حدی شدید است که برای بیمار ناراحتی و اختلال عملکرد ایجاد میکند. در علم روانپزشکی، این بیماریها به چند دسته طبقه بندی میشوند:

- اختلال جسمی سازی (Summarization)
- اختلال تبدیلی (Conversion)
- هیپوکندریازیس
- اختلال احساس بدشکلی در بدن (Dysmorphic Body)
- اختلال درد
- اختلال جسمی سازی

این اختلال در بین خانمها و افراد تحصیل نکرده و در طبقات اجتماعی - اقتصادی پایین، شایعتر است. در این اختلال علایمی مانند علایم زیر وجود دارد.

- درد در قسمتهای مختلف بدن (سردرد، کمردرد، درد مفاصل و اندامها، درد رکتوم، درد حین مقاربت و درد هنگام دفع ادرار)

- علامتهای گوارشی (تهوع، استفراغ، نفخ، اسهال، عدم تحمل برخی غذاها)

- علامت جنسی (اختلال نعوذ، اختلال انزال، قاعدگی نامنظم، خونریزی زیاد در قاعدگی، استفراغ در بارداری)

- علایم عصبی کاذب (اختلال تعادل، احساس توده در گلو، دو بینی، تشنج، توهم، فلج یا ضعف عمومی و ...)

برای تشخیص باید حداقل 4 علامت درد، دو علامت گوارشی، یک علامت جنسی و یک علامت عصبی کاذب وجود داشته باشد.



در واقع در این حالت، اضطراب و فشار روانی به علایم جسمی تبدیل میشود! این اختلال در نتیجهی عوامل استرسزا به وجود میآید. معمولاً بین عامل استرسزا و شروع علایم زمان کمی فاصله وجود دارد. در این اختلال فرد به شکل ناآگاهانه و غیر ارادی دچار علایمی از قرار زیر میشود:

- اختلالات حرکتی (فلج، عدم تعادل، بیصدایی)
- اختلالات هوشیاری (تشنج کاذب، کوما)
- اختلالات حسی (نابینایی، ناشنوایی، فقدان حس بویایی، بیدردی، بیحسی در دست و پا آشکل دستکش - جورابی)

اختلال درد

در این موقعیت، فرد از وجود درد در یک یا چند محل در بدنش شکایت دارد در حالی که هیچ گونه بیماری جسمی در وی وجود ندارد. عوامل روانی در شروع، شدت و تشدید و حفظ این دردها نقش دارند و فرد عمدی در ایجاد آن ندارد. درد از نظر بیمار واقعی است و نباید به او گفت که درد پرداخته ذهن او و تخیلی است! درمان شامل دارو و روان درمانی است.

هیپوکندریازیس

در این موقعیت، فرد دچار اشتغال ذهنی یا ترس از ابتلا به یک بیماری جدی میشود که این حالت بیش از شش ماه طول

میکشد. این فرد حتی واکنشها و علایم طبیعی بدن را بد و اشتباه تفسیر میکند. او با این ترس و اشتغال ذهن به پزشک مراجعه میکند و وقتی بررسیها و آزمایشات نشان میدهند که او به آن بیماری مبتلا نیست، ترس و درگیری ذهنی کاهش یافته اما باقی میماند و بعد از مدتی باز میگردد. علت این اختلال مشخص نیست. درمان آن باید توسط متخصص روانپزشکی انجام شود.



در این اختلال فرد به شکل غیرطبیعیایی در مورد اینکه در قیافه یا قسمتی از بدنش نقص و بدشکلی وجود دارد، اشتغال ذهنی پیدا میکند. گاهی ممکن است نقص کوچکی هم وجود داشته باشد ولی نگرانی فرد بیش از حد باشد و بین شکایت بیمار و ناهنجاری فیزیکی قابل مشاهده، تناسب منطقی وجود ندارد. درمان این اختلال شامل رواندرمانی و درمان دارویی است.